ربیع الأوّل – سال سوم (ضحی)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

وَ الضُّحی (۱) وَ اللَّیْلِ إِذا سَجی (۲) ما وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ ما قَلی (۳) وَ لَلْآخِرَةُ خَیْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولی (٤) وَ لَسَوْفَ یُعْطیكَ رَبُّكَ فَتَرْضی (٥) أَ لَمْ یَجِدْكَ یَتیماً فَآوی (٦) وَ وَجَدَكَ ضَالاًّ فَهَدی (۷) وَ وَجَدَكَ عائِلاً فَأَغْنی (۸) فَأَمَّا الْیَتیمَ فَلا تَقْهَرْ (۹) وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلا تَنْهَرْ (۱۰) وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱۱)

به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی

[ای پیامبر!] سوگند به ابتدای روز! «۱» و به شب! آن‌گاه که آرام گیرد «۲» که پروردگارت تو را وانگذاشته، و [بر تو] خشم نگرفته «۳» بی‌تردید آخرت برایت از دنیا بهتر است «۴» به زودی پروردگارت [به اندازه‌ای] عطایت می‌کند تا خشنود شوی «۵» آیا یتیمت نیافت، پس [تو را] پناه داد؟ «۶» و تو را گم‌گشته یافت پس [تو را] راهنمایی کرد؟«۷» و [از مال دنیا] تنگ‌دستت دید، و [تو را] بی‌نیاز کرد؟«۸» پس بر یتیم سلطه مجوی! [که به حقارت و خواری دچار شود] «۹» و گدای درخواست‌کننده را با خشونت از خود مران! «۱۰» و نعمت‌های پروردگارت را [برای خانواده‌ات و مردم] بازگو کن! «۱۱»

شیخ صدوق به سند خود از ابن عبّاس روایت کرده که وی درباره‌ی کلام خداوند عزّ و جلّ گفت: «أَلَمْ یَجِدْکَ یَتِیمًا فَآوَی» از آن رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یتیم نامیده شده، که بر روی زمین نه از گذشتگان و نه از آیندگان، هیچ کس همتای ایشان نبود، پس خداوند عزّ و جلّ به خاطر نعمت‌هایش بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله منّت گذاشت و فرمود: «أَلَمْ یَجِدْکَ یَتِیمًا» یعنی یگانه بودی و هیچ همتایی نداشتی «فَآوَی» مردم را به سوی تو و برتری تو را به آنان شناساند تا این‌که تو را شناختند «وَ وَجَدَکَ ضَالًّا» نزد قومت به گمراهی منسوب بودی، پس خداوند آنان را به وسیله‌ی شناختن تو هدایت کرد «وَ وَجَدَکَ عَائِلًا» نزد قومت تهی‌دست بودی و قومت می‌گفتند: هیچ مالی نداری، پس خداوند با مال حضرت خدیجه سلام الله علیها تو را بی‌نیاز کرد و سپس از فضل خود بر تو افزود و چنان دعایت را مستجاب قرار داد که اگر دعا می‌کردی تا خداوند سنگی را برایت طلا کند، هر آینه آن سنگ به خواسته‌ات تبدیل می‌شد، و در جایی که هیچ غذایی نبود، برایت غذا رساند و در جایی که هیچ آبی نبود، برایت آب رساند و در جایی که هیچ فریادرسی نبود، با فرشتگان یاریت کرد و به وسیله‌ی آنان تو را بر دشمنانت پیروز کرد.[۱]

---

۱. معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص۵۳.

از علی بن محمّد بن جهم روایت شده است که گفت: در مجلس مأمون حاضر شدم، – و از حدیثی یاد کرد که در آن، پرسش‌های مأمون از حضرت امام رضا علیه السلام درباره‌ی آیات مربوط به عصمت پیامبران علیهم السلام بیان می‌شود– حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند متعال به پیامبرش حضرت محمّد صلی الله علیه و آله فرمود: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» یعنی آیا تو را یگانه نیافت و مردم را به سویت هدایت کرد؟ «وَ وَجَدَکَ ضَالًّا» یعنی نزد قومت «فَهَدَى» یعنی آنان را به سوی شناختن تو هدایت کرد «وَ وَجَدَکَ عَائِلًا فَأَغْنَى» دعایت را مستجاب قرار داد و این گونه بی‌نیازت گردانید. آن‌گاه مأمون (به امام رضا علیه السلام) عرض کرد: خداوند در تو برکت و جاودانگی قرار دهد ای پسر رسول خدا![1]

در حدیث دیگری راوی نقل می‌کند که از حضرت امام صادق علیه السلام درباره‌ی کلام خداوند عزّ و جلّ: «وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ» پرسیدم، و ایشان فرمودند: کسی که تو را نعمت داد و بدان برتری‌ات بخشید و به تو عطا کرد و نیکی نمود، سپس حضرت علیه السلام فرمودند: و حضرت (پیامبر) صلی الله علیه و آله از دین خود و از آن‌چه خداوند به ایشان عطا کرد و از نعمتی که به ایشان بخشید، سخن گفت.[2]

مردی از اهالی بصره روایت کرده است که حضرت امام حسین علیه السلام و عبد الله بن عمر را دیدم که خانه‌ی خدا را طواف می‌کردند. از ابن عمر درباره‌ی کلام خداوند متعال: «وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ» پرسیدم، وی گفت: خداوند به حضرت (رسول) صلی الله علیه و آله امر فرمود تا از نعمتی که به او بخشیده، سخن گوید. سپس از حضرت امام حسین علیه السلام درباره‌ی کلام خداوند متعال: «وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ» پرسیدم و ایشان فرمودند: خداوند به حضرت (رسول) صلی الله علیه و آله امر فرمود تا از نعمت دین خود که خداوند به او بخشیده، سخن گوید.[3]

---

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج۱، ص۱۹۹–۲۰۰.

۲. الکافی، کلینی، ج۲، ص۹۴.

۳. المحاسن، برقی، ج۱، ص۲۱۸.